

Research Paper

The role of monitoring government approvals on sustainable development with emphasis on principles 85 and 138 of the Constitution

Hassanali Shojaian¹, Seyed Ahmad Habibnezhad^{*2}, Mehdi Shabannia Mansour³

1. hD student in Public Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Public Law, Farabi Faculty, University of Tehran, Qom
Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Abstract

PP: 606-625

Use your device to scan and read
the article online



Keywords: *Supervision,
government approvals,
Article 85 and Article 138
of the Constitution,
sustainable development,
rule of law*

One of the main axes of sustainable development in the country is the special attention of the government to free trade-industrial and special economic zones. Efforts to improve the status of these zones and help grow production and exports by using the capacities of these zones are among the main goals of establishing these zones. For this reason, it is necessary to monitor and evaluate the binding regulations for these zones that are imposed by governments so that they do not deviate from the main goals, which are to contribute to sustainable development in the country. On the other hand, the supervisory system of the Speaker of the Parliament over government regulations, subject to Articles 85 and 138 of the Constitution, also overseeing regulations in the field of free zones, can, in addition to protecting the fundamental principle of the rule of law, contribute significantly to the status of these zones in sustainable development. In this article, some of the opinions of the Speaker of the Parliament and the Board for Review and Implementation of Government Approvals in this area are examined, and it is shown that the compliance of free zone regulations with laws approved by the Parliament and the goals considered by the legislator can bring economic effects, including accelerating sustainable development.

Citation: Shojaian,H.,Habibnezhad,S.A.,Shabannia Mansour, M.(2024). **The role of monitoring government approvals on sustainable development with emphasis on principles 85 and 138 of the Constitution.** Quarterly Journal of Geography (Regional Planning), 14(54), 606-625

DOI:10.22034/JGEOQ.2025.465664.4115

* **Corresponding author:** Seyed Ahmad Habibnezhad, **Email:** A.habibnezhad@ut.ac.ir

Copyright © 2024 The Authors. Published by Qeshm Institute. This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

Extended Abstract

Introduction

The present study, with a descriptive-analytical approach, aims to analyze the legal foundations and structures of the Speaker of the Parliament's oversight of government approvals, and specifically examine the performance of this oversight in the field of free and special economic zones - as potential engines of sustainable development. Also, by identifying the most important obstacles and instances of existing conflicts, practical solutions such as strengthening ex ante oversight, utilizing new technologies in the implementation process, and enhancing the transparency and accountability of executive institutions will be proposed to provide the basis for optimal interaction between the legislative and executive branches in order to achieve sustainable development.

Methodology

In addition, this article seeks to present a localized model based on comparative comparison.

Results and Discussion

The system of oversight by the Speaker of the Islamic Consultative Assembly over the government's resolutions, especially in light of Articles 85 and 138 of the Constitution, is not only a fundamental tool for safeguarding

the rule of law and ensuring the hierarchy of legal norms, but also plays a double role in safeguarding the ideals of sustainable development in the context of free trade-industrial and special economic zones. These zones, whose main mission is to facilitate trade, attract investment, and promote exports, are always at risk of approving resolutions that are outwardly consistent with economic development goals but, inwardly or as a result, contrary to national laws, environmental requirements, or social justice considerations, due to their broad executive and regulatory powers.

Conclusion

Achieving the rule of law in free and special economic zones requires a smart combination of executive autonomy in these zones with structured and deterrent oversight that not only prevents arbitrariness and regulatory instability, but also paves the way for achieving a balance between economic growth, social justice, and environmental protection. Without such an approach, the risk of excessive economic facilitation at the expense of sustainability requirements will remain a serious threat to the legal credibility and effectiveness of governance in these zones.

References

1. Finer, Herman, 1997, *The Theory and Practice of Modern Government*, Methuen & Co., London.
2. Frick, Martin, 2010, *Principles of Good Administration and Administrative Law*, Springer, Berlin.
3. Rawls, John, 2005, *A Theory of Justice: Original Edition*, Harvard University Press, Cambridge.
4. Vizheh, Mohammadreza, 2017, *Oversight of Administrative Regulations in Iran*, Mizan Publications, Tehran.
5. Articles
6. Finer, Herman, 1997, *The Theory and Practice of Modern Government*, Methuen & Co., London.
7. Frick, Martin, 2010, *Principles of Good Administration and Administrative Law*, Springer, Berlin.
8. Rawls, John, 2005, *A Theory of Justice: Original Edition*, Harvard University Press, Cambridge.
9. Vizheh, Mohammadreza, 2017, *Oversight of Administrative Regulations in Iran*, Mizan Publications, Tehran.


مقاله پژوهشی

نقش نظارت بر مصوبات دولت بر توسعه پایدار با تاکید بر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی

حسنعلی شجاعیان - دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سیداحمد حبیب نژاد* - دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم

مهدی شعبان نیا منصور - استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>شماره صفحات: ۶۰۶-۶۲۵</p> <p>از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید</p> 	<p>یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار در کشور توجه ویژه حاکمیت به مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی است. تلاش برای ارتقای جایگاه این مناطق و کمک به رشد تولید و امر صادرات با استفاده از ظرفیت های این مناطق از جمله اهداف اصلی ایجاد این مناطق به شمار می رود. به همین منظور ضروری است تا مقررات الزام آور برای این مناطق که توسط دولت ها وضع می شود مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد تا از اهداف اصلی که همان کمک به توسعه پایدار در کشور است دور نشود. از سوی دیگر نظام نظارتی رئیس مجلس بر مقررات دولتی موضوع اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی نیز ناظر بر مقررات حوزه مناطق آزاد می تواند علاوه بر پاسداشت اصل اصیل حاکمیت قانون، به موضوع جایگاه این مناطق در توسعه پایدار کمک شایانی نماید. در این مقاله برخی از نظرات رئیس مجلس و هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت در این حوزه مورد بررسی قرار می گیرد و نشان داده می شود مطابقت مقررات مناطق آزاد با قوانین مصوب مجلس و اهدافی که مقنن در نظر می گیرند می تواند آثاری اقتصادی از جمله تسریع در توسعه پایدار را به همراه آورد.</p>

استناد: شجاعیان، حسنعلی، حبیب نژاد، سیداحمد، شعبان نیا منصور، مهدی. (۱۴۰۳) نقش نظارت بر مصوبات دولت بر توسعه پایدار با تاکید بر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۴(۵۴)، ۶۰۶-۶۲۵

DOI:10.22034/JGEOQ.2025.465664.4115

مقدمه

در سپهر حاکمیت قانون، استقرار و کاربست صحیح اصل برتری قانون، زیربنای هر نظام حقوقی پیشرفته و کارآمد است؛ به گونه‌ای که تمامی نهادهای اجرایی و تصمیم‌گیر، ملزم به رعایت سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی و هماهنگی کامل مقررات خود با قوانین مصوب بالادستی باشند. این اصل، هنگامی اهمیت دوچندان می‌یابد که پای فعالیت مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی به میان می‌آید؛ مناطقی که با هدف تسهیل تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و پیشبرد توسعه پایدار تأسیس شده‌اند، اما گستره اختیارات اجرایی و مقررگذاری آنها، ضرورت نظارت دقیق‌تر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در نظام حقوقی ایران، یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل و تضمین سازگاری مصوبات اجرایی با مصوبات تقنینی، نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مبنای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی است. این نوع نظارت، به واسطه هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت، نقش ویژه‌ای در جلوگیری از انحرافات احتمالی قوه مجریه ایفا می‌کند. اما در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، به دلیل تنوع مقررات، سرعت بالای تصویب آیین‌نامه‌ها و گاه برداشت‌های متفاوت از حدود اختیارات، چالش‌های جدی پیش‌روی اعمال مؤثر این نظارت قرار دارد. از یک سو، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به واسطه مأموریت‌های توسعه‌ای خود، نیازمند انعطاف‌پذیری و سرعت عمل در مقررگذاری هستند؛ از سوی دیگر، این پویایی نباید به تضعیف حاکمیت قانون و بی‌توجهی به مبانی توسعه پایدار بینجامد. در چنین بستری، رئیس مجلس نه تنها وظیفه سلب اثر از مصوبات مغایر را بر عهده دارد، بلکه باید نقش متعادل‌کننده و هدایت‌کننده برای هم‌راستاسازی مقررات این مناطق با اهداف توسعه پایدار و سیاست‌های کلان کشور ایفا نماید. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، بر آن است تا ضمن واکاوی مبانی حقوقی و ساختارهای نظارتی رئیس مجلس بر مصوبات دولت، به‌طور اختصاصی عملکرد این نظارت را در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی - به عنوان موتورهای بالقوه توسعه پایدار - مورد بررسی قرار دهد. همچنین با شناسایی مهم‌ترین موانع و مصادیق تعارضات موجود، راهکارهایی عملی همچون تقویت نظارت پیشینی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرایند تطبیق، و ارتقاء شفافیت و پاسخگویی نهادهای اجرایی پیشنهاد خواهد شد تا زمینه تعامل بهینه قوه مقننه و مجریه در جهت تحقق توسعه پایدار فراهم گردد.

۱. مفاهیم

۱-۱. توسعه پایدار

توسعه پایدار (Sustainable Development) مفهومی پویا و چندبعدی است که نخستین بار در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل موسوم به «گزارش برانتلند» (Brundtland Report) در سال ۱۹۸۷ به شکلی جامع تعریف شد. طبق این تعریف، توسعه پایدار «روندی است که نیازهای نسل حاضر را بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهای خود تأمین می‌کند» (WCED, 1987: 43). این رویکرد، پیوندی عمیق میان ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی برقرار می‌سازد و بر ضرورت توازن میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست تأکید می‌کند (Vizheh, 2017: 85).

از منظر حقوق عمومی، توسعه پایدار یک هدف راهبردی برای دولت‌ها محسوب می‌شود که باید در چارچوب قوانین بالادستی و اسناد سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی محقق گردد. در ایران، این اصل در اسناد همچون سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و قوانین خاص حوزه محیط زیست و اقتصاد، مورد تصریح قرار گرفته است. اصل پنجاهم قانون اساسی نیز با پیش‌بینی تکلیف عمومی نسبت به حفاظت محیط زیست، بنیانی برای پیوند توسعه و ملاحظات محیط‌زیستی فراهم آورده و الزامات اجرایی آن از طریق قوانین عادی و مقررات تخصصی تکمیل شده است (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

در حوزه مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، مفهوم توسعه پایدار نه تنها به معنای رشد صرف اقتصادی، بلکه به منزله ایجاد تعادل میان منافع تجاری کشور و حفاظت از ظرفیت‌های بومی، محیط‌زیستی و اجتماعی این مناطق تعبیر می‌شود. بدین منظور، مقررات‌گذاری و مدیریت این مناطق باید به گونه‌ای باشد که از یک طرف پویایی اقتصادی و کارآفرینی را تسهیل کند و

از طرف دیگر، از بروز آثار منفی چون تخریب محیط زیست، نابرابری اجتماعی و وابستگی بیش از حد به واردات جلوگیری نماید (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۷۲).

در ادبیات حقوقی ایران و جهان، پیوند توسعه پایدار با حاکمیت قانون بر این اصل استوار است که مقررات باید بر اساس سلسله‌مراتب قانونی تصویب شده و تحت نظام نظارت و کنترل قرار گیرند تا اهداف توسعه دچار انحراف یا اولویت‌بندی‌های کوتاه‌مدت نشوند (Rawls, 2005: 66; Finer, 1997: 184). ابزارهایی چون نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر اساس اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، در چنین سیستمی برای حفظ این توازن حیاتی است.

۲-۱. ماهیت و جایگاه مصوبات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوقی ایران

مصوبات مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان تجلی اراده ملت و رکن اصلی وضع قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین ابزار تحقق اصل حاکمیت قانون محسوب می‌شوند. این مصوبات که بر پایه اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول (۷۱)، (۷۲)، (۸۵) و (۹۳) تدوین می‌شوند، نه تنها در سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی در صدر مقررات ملی قرار دارند، بلکه معیار و مرجع کنترل و نظارت بر تمامی مقررات اجرایی و آیین‌نامه‌های دولت نیز به‌شمار می‌روند (گرچی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). طبق اصل (۷۱)، مجلس در عموم مسائل کشور در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند و بر اساس اصل (۷۲)، صلاحیت قانون‌گذاری محدود به عدم مغایرت با قانون اساسی و اصول شرع است، امری که شورای نگهبان بر آن نظارت دارد.

در نظریه‌های حقوق عمومی، مصوبات پارلمان دارای ماهیت «هنجار برتر داخلی» هستند که سایر مقررات اجرایی و تصمیمات اداری باید با آن سازگار باشند. این جایگاه برتری از یک سو موجب الزام کلیه قوا به رعایت آن است و از سوی دیگر، مبنایی برای ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر مانند هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت فراهم می‌آورد (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۰). چنانکه در تجربه ایران، قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحات ۱۳۸۸، سازوکار حقوقی ویژه‌ای در اختیار رئیس مجلس قرار داده تا مصوبات دولت را از حیث انطباق با مصوبات مجلس ارزیابی کند و در صورت تشخیص مغایرت، آن را ملغی‌الاثرب نماید.

مصوبات مجلس را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. قوانین عادی: این دسته شامل کلیه قوانین مصوب مجلس است که پس از تأیید شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام (در صورت بروز اختلاف)، قابلیت اجرایی پیدا می‌کنند. قوانین عادی در سلسله‌مراتب هنجارها بعد از قانون اساسی قرار گرفته و همه مقررات اجرایی و تصمیمات مقامات اداری باید با آن منطبق باشند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۵).

۲. قوانین تفویضی یا مآذون‌به (موضوع اصل ۸۵): در این موارد، مجلس اختیار تصویب برخی اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها را به دولت یا کمیسیون‌های داخلی می‌دهد، لیکن همانند قوانین عادی پس از تصویب، لازمه اجرا و نظارت بر آنها برقرار است. این دسته از مصوبات، با وجود آنکه توسط دولت یا کمیسیون تخصصی تصویب می‌شوند، در ماهیت از نوع قانون‌اند و اصلاح یا الغای آنها صرفاً با تصویب مجلس ممکن است (گرچی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

از منظر توسعه پایدار، مصوبات مجلس نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند: نخست، با تصویب قوانین حمایتی و برنامه‌ای، مسیر و چارچوب کلان سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تعیین می‌کنند؛ و دوم، با ایجاد نظام نظارتی بر مصوبات دولت، مانع انحراف مقررات اجرایی از اهداف توسعه پایدار می‌شوند. به‌ویژه در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، مصوبات مجلس باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که ضمن تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، ملاحظات پایداری و تعادل منطقه‌ای را نیز تضمین کنند (Rawls, 2005: 101؛ حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۶).

۲. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری نظارت بر مصوبات دولت بر توسعه پایدار

در ادبیات حقوق اداری و حقوق توسعه، بررسی حدود و الزامات نظارت بر اعمال قوه مجریه، به‌ویژه در حوزه تصویب مقررات اجرایی ناظر بر مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، از جمله محوری‌ترین عرصه‌های مباحث تئوریک و محل مناقشات

دامنه‌دار بوده است. این حوزه حساس، از یک سو به دلیل ماهیت ویژه این مناطق در جذب سرمایه‌گذاری، تسهیل صادرات و پیشرانی توسعه منطقه‌ای اهمیت یافته و از سوی دیگر، به علت تنوع و حجم بالای مقررات اجرایی که توسط دولت یا سازمان‌های متولی این مناطق وضع می‌گردد، نیازمند سازوکارهای نظارتی دقیق و تخصصی است (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۰).

خاستگاه نهاد نظارت بر این دسته از مصوبات را باید در تلاقی دو اصل راهبردی «حاکمیت قانون» و «تخصیص صلاحیت» جست‌وجو کرد. به بیان دیگر، هرچند گستره اختیارات مقررگذاری دولت در مناطق آزاد لازمه پیشبرد چابک امور اجرایی و بهره‌گیری سریع از فرصت‌های تجاری است، اما غیاب کنترل مداوم و مؤثر بر این مصوبات، می‌تواند به بروز انحرافات از اهداف پیش‌بینی‌شده در قوانین بالادستی و نقض بنیادهای توسعه پایدار منجر گردد (Finer, 1997: 184؛ حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

از این منظر، نظارت غیرقضایی رئیس مجلس شورای اسلامی، به‌ویژه بر مبنای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، نقشی کلیدی در حفظ انطباق مقررات مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با قوانین مصوب و اسناد سیاستی کشور ایفا می‌کند. این نوع نظارت که به واسطه هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت انجام می‌شود، تضمین می‌کند تا اختیارات اجرایی در این مناطق از مسیر توسعه پایدار منحرف نشود و حقوق نسل‌های آینده نیز حفظ گردد (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۸).

رویکرد نظریه‌پردازان معاصر همچون جان فینر و جان رالز نیز بر این محور استوار است که هر چه حوزه فعالیت نهادهای اجرایی گسترده‌تر و اثرگذارتر بر زندگی اقتصادی و اجتماعی باشد، ضرورت پاسخگویی، شفافیت و محدودسازی اعمال سلیقه‌ای مقررات‌گذاری بیشتر می‌شود. این امر در مناطق آزاد از حساسیتی مضاعف برخوردار است، زیرا هر تصمیم اجرایی می‌تواند آثار وسیع و بلندمدتی بر محیط زیست، عدالت منطقه‌ای و ساختار اقتصادی کشور بر جای بگذارد (Finer, Rawls, 2005: 66؛ 1997: 192).

در ایران، وجود نظام نظارتی رئیس مجلس بر این مصوبات نه تنها ضامن اجرای قانون است، بلکه ابزاری برای تحقق «حکمرانی متوازن» میان نیاز به انعطاف‌پذیری اقتصادی و پایبندی به الزامات قانونی و زیست‌محیطی به شمار می‌آید. این ابزار، با جلوگیری از مقررات مغایر، ناهماهنگ یا فاقد پشتوانه قانونی، بستر را برای همسویی سیاست‌های مناطق آزاد با اهداف کلان توسعه پایدار فراهم می‌سازد (گرگی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۲-۲. مرور ادبیات و مطالعات مشابه (داخلی و بین‌المللی)

بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعدد در باب نظارت مجلس بر مصوبات دولت، بیشتر بر تحلیل ساختار حقوقی هیأت تطبیق یا احصای مصادیق تعارض اکتفا کرده‌اند و کمتر به نقد فرایند عملی اعمال این نظارت یا موانع کارآمدسازی آن پرداخته‌اند.

در میان آثار داخلی، به مطالعات شجاعیان؛ حبیب نژاد و شعبان نیا منصور (۱۴۰۳) میتوان اشاره کرد. این مقاله بیان می‌کند که نظارت پیشینی، مستمر و غیر وابسته به اقامه دعوی رئیس مجلس بر مصوبات هیأت وزیران، در کنار نظارت قضایی دیوان عدالت اداری، شفافیت مقررگذاری و التزام دولت به اصل حاکمیت قانون را تضمین می‌کند. گرگی ازندریانی و رضایی (۱۳۹۳) بر تحلیل سازوکارهای حل اختلاف میان قوا متمرکز است و ضمن اشاره به جایگاه نظارت رئیس مجلس، نقش این هیأت را بیشتر در زمره راهکارهای مدیریت تعارض قوا جای داده‌اند، نه به مثابه ضمانت اجرای حاکمیت قانون. پژوهش پروین و پتفت (۱۳۹۴) نیز به شیوه‌ای تفصیلی به حدود و چالش‌های صلاحیت رئیس مجلس در نظارت بر مصوبات هیأت وزیران پرداخته و نشان می‌دهند که مهم‌ترین خلا موجود، ابهام در محدوده صلاحیت و غیبت ضمانت‌اجرای بازدارنده نسبت به تخلفات دولت است (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۸).

در چند سال اخیر، برخی رساله‌های دکتری و مقالات، با تمرکز بر تجربیات تطبیقی کشورهای فرانسه، آلمان و حتی برخی کشورهای آمریکای لاتین، نشان داده‌اند که قالب‌های نظارت بر مصوبات دولت می‌تواند طیفی از مدل‌های پارلمانی اخطاردهنده تا نظام‌های شبه‌قضایی با ضمانت اجرای فوری را دربرگیرد (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۸۶؛ Rawls, 2005: 74). به صورت خاص، اثر Frick (۲۰۱۰) تحلیلی تطبیقی میان نظام ایران و نظام‌های اروپای قاره‌ای به‌عمل آورده و به تأثیر ماهیت غیرقضایی این نظارت در افزایش شفافیت و کاهش تعارضات حقوقی اشاره می‌کند (Frick, 2010: 151).

پژوهش حاضر بر خلاف مطالعات پیشین که یا بر جنبه صرفاً قانونی نظارت اتکا داشته‌اند یا از منظر نهادی بدون تعمق در کارکردهای عملی، تحلیل خود را ارائه داده‌اند، رویکردی انتقادی و تلفیقی را دنبال می‌کند. برجسته‌ترین نوآوری پژوهش فعلی، تحلیل چندسطحی چالش‌های اجرایی، آسیب‌شناسی ضمانت اجراها و بازنمایی نمونه‌های عملی «سلب اثر» از مصوبات دولت با رویکرد پیشنهادی تقنینی و کارآمدی است.

افزون بر آن، بررسی این مقاله در پی ارائه مدلی بومی‌شده و مبتنی بر مقایسه تطبیقی است که امکان رفع خلأهای موجود، توصیه سیاستی برای بهبود شفافیت و وحدت رویه در نظارت را فراهم می‌کند. همین تفاوت اساسی موجب شده تا نتیجه پژوهش به جای تکرار کلیشه‌های رایج، با نگاه تحلیلی و انتقادی به بازنمایشی در ماهیت و کارایی نظام نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت بپردازد؛ امری که در اکثر منابع قبلی مغفول مانده است.

۳- تحلیل حقوقی نظام نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیأت دولت

۱-۳. مبانی حقوقی صلاحیت نظارتی (سابقه تقنینی و اصول قانون اساسی)

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ریشه صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در نظارت بر مصوبات هیأت دولت، به طرز ژرفی در بطن اصول بنیادین قانون اساسی و سیر تطور تقنین ایرانی جای گرفته است. نقطه آغاز این مقررات را، باید در منطق تفکیک قوا و اقتضات سامان‌دهی فرآیندهای وضع مقررات اجرایی توسط دولت جست‌وجو کرد؛ منطقی که، به تصریح اصل ۸۵ قانون اساسی، مصوبات دولت را مشروط به عدم مغایرت با قوانین و مقررات عمومی کشور نموده و تأکید دارد که «به منظور بررسی عدم مغایرت آنها... باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد». این حکم، نه تنها بر پایه اصل سلسله مراتب قانونی و تقدم اراده مقنن بر قوه مجریه بنا شده، بلکه با هدف تضمین مشروعیت، شفافیت و تقویت نظام مردم‌سالاری حقوقی شکل گرفته است (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۰؛ Rawls, 2005: 64).

افزون بر آن، اصل ۱۲۸ قانون اساسی با تبیین فرآیند ابلاغ و قابلیت بازگشت مصوبات مغایر با قوانین، لزوم ارسال کلیه تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و کمیسیون‌های وزارتی به رئیس مجلس برای اعمال نظارت را روشن ساخته و از این رهگذر جایگاه رئیس مجلس را به مثابه «نظام تطبیق و کنترل مشروعیت مقررات اجرایی» تقویت نموده است. ویژگی مهم ساختار حقوقی ایران در این زمینه آن است که صلاحیت رئیس مجلس نه بر مبنای یک نهاد اداری صرف، بلکه در مقام نماینده عالی قوه مقننه، واجد شأن انحصاری برای صیانت از اراده قانون‌گذار شناخته شده است؛ شأنی که در نظام‌های حقوق عمومی تطبیقی، غالباً میان نهادهای اداری (Conseil d'État فرانسه) و شبه قضایی تقسیم شده، اما در ساختار ایران تجمیع یافته است (Frick, 2010: 123-124). مرور تجارب تقنینی کشور پیش و پس از بازنگری قانون اساسی نیز نشان می‌دهد که صلاحیت رئیس مجلس، به تدریج از یک نقش تشریفاتی و اطلاع‌رسانی صرف به جایگاهی مؤثر و واجد ضمانت اجرایی ارتقا یافته است. این تحول در پرتو تصریح قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۲۸ قانون اساسی (مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه ۱۳۸۸)، کارآمدی نظام نظارت و ظرفیت اجرایی رئیس مجلس را تثبیت نموده است (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۷۲).

در نهایت، تبیین این صلاحیت در نظام حقوقی ایران، مفهوم «حکمرانی پاسخگو» را به مثابه راهبرد اساسی اجرایی نموده است و از رهگذر گسترش مکانیسم‌های تطبیق مقررات اجرایی با موازین قانونی، ضریب امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری نظام مقررات‌گذاری را به روشنی افزایش داده است (Finer, 1997: 172؛ گرجی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

۲-۳. جایگاه هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت در ساختار نظارت رئیس مجلس

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برای تضمین انطباق مصوبات دولت با قوانین موضوعه و تحقق اصل حاکمیت قانون، سازوکار مستقلی تحت عنوان هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت پیش‌بینی کرده است؛ نهادی که نقش نهادینه و کلیدی در فرآیند اعمال نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیأت دولت ایفا می‌کند. فلسفه تأسیس این هیأت-که به موجب قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۲۸ قانون اساسی (مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه ۱۳۸۸) رسمیت یافت-پاسخ به نیاز نظام‌مندسازی و تخصصی کردن فرآیند ارزیابی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین عادی و مقررات عمومی بوده است.

ترکیب و صلاحیت هیأت مزبور، مشتمل بر گروهی از حقوقدانان برجسته، کارشناسان امور تقنینی است که استقلال ساختاری و تخصصی لازم را برای تحلیل همه‌جانبه محتوای مصوبات دولت دارا هستند. این نهاد، نقطه اتصال دانش حقوقی عمیق با اقتضانات تقنینی روزآمد را فراهم ساخته؛ به گونه‌ای که ضمن استناد به اصول بنیادین قانون اساسی، در رویه‌های خود ابعاد عملی و چالش‌های اجرای مصوبات را نیز لحاظ می‌کند (گرجی‌ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

جایگاه ویژه هیأت بررسی و تطبیق، به لحاظ حقوقی در حدفاصل میان نهاد نظارتی (رئیس مجلس) و نهاد تصویب‌کننده (هیأت وزیران) قرار گرفته است. هیأت عملاً بازوی کارشناسی رئیس مجلس تلقی شده و با تحلیل دقیق و مستند، گزارش خود را درباره مطابقت یا مغایرت مصوبات، ابتدا به رئیس مجلس تقدیم می‌کند. افزون بر این، در صورت تشخیص مغایرت، این هیأت، ضمن ارائه گزارش کارشناسی—که جنبه استنادی و ناظر به اصول مرجع قانونی دارد—زمینه را برای اعمال تدابیر لازم از سوی رئیس مجلس فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، نقش هیأت صرفاً جنبه مقدماتی یا تشریفاتی نداشته؛ بلکه مجموعه‌ای از اختیارات و مسئولیت‌های عملیاتی در برابر تقنین و اجرایی کردن اصل نظارت قانونی را ایفا می‌کند.

این روند باعث ایجاد شفافیت مضاعف و اتقان در فرآیند نظارت شده و به واسطه تخصص‌های متنوع اعضا و تفکیک مسئولیت، از نگرش‌های سلیقه‌ای یا سیاسی نسبت به مصوبات اجتناب می‌نماید. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که وجود این هیأت، به مثابه حفاظ نهادی، از دوگانگی و تعارض در نظارت می‌کاهد و پاسخگویی «پیوسته» و «شفاف» را جایگزین فرآیندهای غیرشفاف و سلیقه‌ای نموده است.

از نظر تطبیقی نیز مشابه این هیأت را می‌توان با نهادهایی مانند Conseil d'État در حقوق فرانسه، یا کمیته‌های ویژه نظارت پارلمانی در نظام‌های Westminster مقایسه کرد که همگی بر حضور نهادی مستقل و تخصصی برای کنترل بر اعمال اجرایی صحنه نهاده‌اند.

نهایتاً، وجود و تقویت کارکرد هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت، تضمین‌گر حسن اجرای نظام نظارت تقنینی، ارتقای امنیت حقوقی، و تأمین‌کننده منافع عمومی در فرآیند وضع مقررات اجرایی از سوی دولت خواهد بود.

۳-۳. تمایز صلاحیت‌های نظارتی و حدود مصوبات

تعیین دقیق مرز و قلمرو صلاحیت نظارتی رئیس مجلس بر مصوبات هیأت وزیران، یکی از ظریف‌ترین و پرچالش‌ترین مسائل حقوق عمومی ایران است؛ چرا که از سویی تأمین غایت نظارت مبتنی بر اصل حاکمیت قانون و از سوی دیگر رعایت استقلال قوه مجریه و اقتضانات کارآمدی دولت را نیز ضروری می‌کند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۵). این تمایز، هم در سطح نصوص قانون اساسی (به ویژه اصول ۸۵ و ۱۳۸) و هم در رویه تقنینی و دکتترین حقوقی محل اختلاف و بحث بوده است.

از یک سو، اصل ۸۵ قانون اساسی، شمول نظارت رئیس مجلس را اساساً منحصر به مصوباتی می‌داند که به موجب تفویض قانون‌گذاری (مانند اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی تفویضی) تدوین شده‌اند و قائل به ماهیت «قانونی» برای آنهاست، در حالی که تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که به ابتکار دولت و بر اساس اختیارات ذاتی قوه مجریه تصویب می‌شوند (موضوع اصل ۱۳۸)، عمده‌تاً عملکرد «اجرایی» دارند و جایگاه آنها متفاوت است. علاوه بر این، برخی مصوبات سایر مراجع مانند شورای عالی استان‌ها و شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز، به استناد قانون حفظ و گسترش فضای سبز و قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، برای اعمال نظارت حقوقی و تطبیق با قوانین و مقررات، به رئیس مجلس ارسال می‌گردد. (حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۴).

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های عملی، تفکیک محدوده نظارت رئیس مجلس نسبت به مصوبات ناظر بر امور اجرایی صرف و مصوباتی است که شائبه تغییر، توسعه یا تضییق قانون دارند. به بیان دیگر، مرز میان «تفسیر موسع» و «تقیید یا توسعه اختیارات تقنینی» توسط دولت، غالباً محل بروز اختلاف است. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌ها، مرجع نظارتی (خواه دادگاه اداری باشد یا نهاد پارلمانی)، در این بخش صرفاً صلاحیت تطبیق و اعلام مغایرت شکلی و ماهوی را دارد و حق ورود به سیاست‌گذاری اجرایی یا تفسیر موسع را ندارد (Frick, 2010: 152).

در رویه داخلی نیز، نظرات و آراء هیأت بررسی و تطبیق مصوبات و همچنین نظریات شورای نگهبان بارها بر تفکیک اعمال نظارت نسبت به «مقررات زائد، توسعه‌دهنده یا محدودکننده قانون» از «مصوبات اجرایی بی‌شائبه» تأکید داشته‌اند (گرچی از ندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). افزون بر این، احراز اینکه یک مصوبه دولت آیا واقعاً در چارچوب و اختیارات اعطایی بوده، یا از حیث تعیین بار مالی، خروج از شوون تقنین، یا تفسیر گسترده ماده قانونی دچار اشکال شده، مستلزم رویکردی تخصصی و ترکیبی است (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۳).

برای مثال، در جریان بررسی مصوبه «تعیین ضریب حقوق کارکنان دولت در سال ۱۴۰۲»، هیأت تطبیق مجلس تصریح داشت که توسعه اختیارات دولت فراتر از مفاد قانون بودجه، مغایر اصول تقنین و نظارت پارلمانی است و باید ملغی‌الاثراً گردد. یا نمونه‌ای دیگر، تفسیر توسعه‌ای دولت از «دامنه شمول آیین‌نامه ساماندهی خودرو» در سال ۱۴۰۲ که صراحتاً با مخالفت هیأت تطبیق و درج در نامه رسمی رئیس مجلس به رئیس‌جمهور ملغی شد.

در نهایت، دکتین حقوق عمومی ایران بر این نکته تأکید دارد که ایفای وظیفه تطبیق توسط رئیس مجلس، باید از ورود به سیاست‌گذاری و تشخیص مصلحت خودداری کند و عموماً به تطبیق نص صریح قانون با مصوبه اجرایی بپردازد تا ضمن صیانت از قانون‌مداری، از تداخل در صلاحیت‌های ذاتی دولت نیز جلوگیری نماید (Rawls, 2005: 101; حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۸).

۴. مهم‌ترین مصادیق سلب اثر از مصوبات هیأت دولت در نظرات رئیس مجلس شورای اسلامی

سلب اثر از مصوبات دولت توسط رئیس مجلس شورای اسلامی نه وظیفه‌ای شکلی بلکه ابزاری راهبردی برای تضمین عینیت یافتن «حاکمیت قانون» و جلوگیری از ایجاد خلل در نظام حقوقی کشور است (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۲). تنوع مصادیق ابطال، ناشی از پیچیدگی گستره صلاحیت دولت، و نیز موازنه میان قواعد آمایشی و تضمین امنیت حقوقی شهروندان است. از مهم‌ترین مصادیق «الغاء اثر» و ابطال مصوبات هیئت وزیران توسط رئیس مجلس، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(الف) خروج از صلاحیت و تحدید قلمرو قانون

از پرتکرارترین مصادیق، وضع مقررات از سوی دولت در حوزه‌هایی است که در صلاحیت تقنینی مجلس یا نهادهای بالاتر قرار دارد؛ مانند تغییر اساسنامه مصوب پارلمان یا افزودن وظایف جدید برای دستگاه‌های اجرایی که مستلزم مصوبه مجلس است. برای نمونه، هیأت وزیران طی تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۰۵/ت/۶۰۴۴۰ مورخ ۱۹/۲/۱۴۰۳ با عنوان «اصلاح اساسنامه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور»، اقدام به تغییر اساسنامه‌ای نمود که قبلاً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود. رئیس مجلس شورای اسلامی در نظریه شماره ۵۶۰۸۳/ب مورخ ۹/۳/۱۴۰۳، با استناد به اصل هشتم و پنجم قانون اساسی و بند یک ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد:

«نظر به اینکه اساسنامه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در اجرای اصل هشتم و پنجم قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و هرگونه اصلاح، الحاق یا حذف مواد آن، صرفاً از طریق قانون و با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است؛ بنابراین، مصوبه هیأت وزیران موضوع «اصلاح اساسنامه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور» خارج از حدود اختیارات قانونی قوه مجریه بوده و از تاریخ ابلاغ، ملغی‌الاثراً می‌باشد.»

(ب) عدم تأمین بار مالی

بر اساس اصل هفتم و پنجم (۷۵) قانون اساسی و رویه شورای نگهبان، هر مصوبه‌ای که بار مالی جدیدی بر بیت‌المال تحمیل کند، باید محل تأمین منابع آن را مشخص ساخته باشد؛ در غیر این صورت رئیس مجلس ملزم است نسبت به الغای اثر آن اقدام کند (گرچی از ندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). نمونه عملی آن، ابطال مصوبه تعیین ضریب حقوق کارکنان دولت برای سال ۱۴۰۲ به دلیل فقدان محل تأمین مالی مشخص بود (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۱).

(ج) عدم رعایت سلسله مراتب و قواعد شکلی

مصوباتی که بدون رعایت تشریفات و فرآیندهای مقرر در قوانین بالادستی (مانند عدم اخذ امضای وزرای ذی‌ربط یا عدم ارسال به رئیس مجلس حسب ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸) تصویب گردیده‌اند، به تصریح رئیس مجلس باطل و بی‌اثر می‌شوند (ویژه، ۱۳۹۶: ۲۳۰).

(د) توسعه یا تفسیر موسع نص قانون

هرگاه دولت با استفاده از تفاسیر موسع از مفاد یک قانون مصوب، دایره شمول یا استثنائات اجرایی را گسترش داده باشد و موجب تفسیر موسع یا مضیق قانون گردد، این قبیل مصوبات مغایر قانون تشخیص داده شده و الغاء می‌گردند (حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۶). به عنوان نمونه عملی، مصوبه آیین‌نامه ساماندهی خودرو در سال ۱۴۰۲، به علت توسعه دامنه مشمولان، ابطال شد.

(و) تعدد مجاری صدور و ابطال مصوبه

گاه مشاهده می‌شود که نمونه واحدی از مصوبات، از چند مرجع مختلف (هیات وزیران، کمیسیون فرعی و...) صادر و نسبت به هر یک نظرات متعارض یا متداخلی صادر می‌گردد. این امر زمینه تضاد رویه و ابطال موازی را ایجاد می‌کند (درویشی و کاظم‌زاده نظری، ۱۳۹۷: ۲۴۱).

در مجموع، موارد سلب اثر نه تنها محدود به مصوبات حاصل از تخطی از قانون نیست، بلکه حوزه‌هایی نظیر بار مالی، رعایت اصول حقوق عمومی، یا ابتکار تفسیر موسع را نیز دربرمی‌گیرد. تأکید رویکرد نوین بر «صیانت از امنیت حقوقی» به معنای تفوق نظام قانون‌گذاری ملی بر ابتکارات اجرایی است (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۵).

۵. چالش‌ها و موانع اجرایی و حقوقی نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، هرچند نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات دولت از ارکان مهم صیانت از قانونیت اقدامات اجرایی و تضمین اصل حاکمیت قانون به شمار می‌رود (Rawls, 2005: 61؛ ویژه، ۱۳۹۶: ۲۳۲)، اما این نظارت با موانع و دشواری‌های متعددی - چه در ساحت نظری و چه در عرصه اجرا - مواجه است. در ادامه، مهم‌ترین این چالش‌ها با استناد به رویه عملی، نظریه‌های حقوق عمومی و مطالعات تطبیقی بررسی می‌شود.

۱-۵. ابهام در مفهوم و قلمرو «قانون» در اصول ۸۵ و ۱۳۸

یکی از ریشه‌ای‌ترین مسائل، ابهام تفسیری واژه «قوانین» در اصول اساسی است که مستقیماً دامنه و محدوده صلاحیت نظارتی را تعیین می‌کند (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۳). شورای نگهبان در نظریات شماره ۷۰/۲۱/۱۰۱۹ (۱۳۷۰/۱۲/۱۲) و ۷۷/۲۱/۹۸۲۳ (۱۳۷۷/۰۳/۲۵) تصریح کرده که منظور از «قانون»، صرفاً قوانین عادی مصوب مجلس است و آیین‌نامه‌های دولت نباید مغایر قوانین عادی اما، می‌تواند در محدوده قانون اساسی باشد (امامی و استوارسنگری، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۲۳۶). در حقوق فرانسه و آلمان هم بحث تمایز بین قانون (loi, Gesetz) و مقرره اجرایی (règlement, Verordnung) اختلاف‌برانگیز است و یکی از منابع همیشگی تنش میان پارلمان و قوه مجریه به‌شمار می‌رود (Finer, 1997).

مصوباتی که صرفاً بر اساس آرای وحدت رویه یا دستورالعمل‌های داخلی وزارتی صادر می‌شوند معمولاً خارج از شمول نظارت ریاست مجلس هستند و همین امر، احتمال صدور قواعد اجرایی متعارض با قوانین را افزایش داده است (گرگی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

۲-۵. تأخیر و کندی در فرآیند نظارت و تعارض با اصل استمرار خدمات عمومی

بر بنیاد اصول حقوق اداری، خدمات عمومی باید بی‌وقفه تداوم داشته باشند و هرگونه تأخیر یا وقفه ناشی از فرآیند نظارت یا ابطال متأخر، می‌تواند جریان عادی امور اجرایی را مختل سازد (امامی و استوارسنگری، ۱۴۰۲: ج ۲، ص ۴۱۷). در عمل، همواره میان ضرورت سرعت بخشی به امور اجرایی و لزوم کنترل و نظارت مجلس نوعی تعارض کارکردی آشکار وجود دارد (فتاحی‌زفرقندی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰۶).

به‌ویژه تأخیر دولت که گاهی عمدی است گاهی غیر عمدی. و اینکه خود هیات در رویه اش محدود به ابلاغ از سوی دولت نیست در ارسال مصوبات یا ابلاغ دیر هنگام نظر ریاست مجلس، باعث می‌شود در برخی موارد، مصوبه‌ای که عملاً اجرا یا حتی به پایان رسیده است، بعد از ماه‌ها باطل اعلام شود (درویشی و کاظم‌زاده نظری، ۱۳۹۷).

۳-۵. عدم شمول نهادهای موازی یا مصوبات پوششی

دولت‌ها در مواردی، برخی تصمیمات اجرایی حیاتی را در قالب‌هایی چون تفاهم‌نامه، توافق‌نامه، دستور اداری یا حتی سایر عناوین مشابه مصوبه صادر می‌کنند که به‌صراحت مشمول نظارت رئیس مجلس بر اساس قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی نیستند، اما آثار گسترده‌ای بر حقوق و تکالیف مردم برجای می‌گذارند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۴۰۲: ص ۲۹۹). در برخی موارد، حتی تغییر عنوان «تصویب‌نامه» به اصطلاحاتی چون «مصوبه» یا قالب‌های غیرمعمول، با هدف خروج آن از شمول بررسی هیأت تطبیق، مورد استفاده قرار گرفته است.

رویه عملی هیأت تطبیق در این‌گونه موارد به این شکل است که چنانچه تصمیم دولت، صرف‌نظر از عنوان انتخابی آن، دارای ماهیت «مقرر عام‌الشمول» یا «تصمیم اجرایی واجد آثار حقوقی عام» باشد، هیأت آن را مشمول صلاحیت نظارتی خود می‌داند و بدون اعتنا به تغییرات شکلی یا عنوان، بررسی و اعلام نظر می‌کند. این رویه بر مبنای اصل ترازو کردن محتوا بر شکل و تفسیر موسع از قلمرو نظارت هیأت شکل گرفته است، گرچه در عمل، گزارش‌ها و پیگیری‌ها در خصوص این نوع مصوبات گاه به دلیل عدم ارسال رسمی آن‌ها از سوی دولت، با تأخیر یا کاستی مواجه می‌شود. (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۱۷۵).

۴-۵. تزامم نظارت رئیس مجلس با نظارت قضایی دیوان عدالت اداری

از منظر حقوق تطبیقی و اصول تفکیک قوا، هرآنچه نظارت غیرقضایی (مجلس) با نظارت قضایی (دیوان عدالت اداری) در یکدیگر تداخل یابد و مرجع واحدی برای تفسیر تعارض نباشد، نه‌تنها شهروندان را سرگردان می‌کند بلکه موجبات حقوق مکتسب/مخدوش را فراهم می‌آورد (Rawls, 2005: 74).

بر اساس مواد مربوط در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، صلاحیت این مرجع در رسیدگی به شکایات و تظلمات اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به مصوبات و تصمیمات مراجع اداری، حتی در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی بر عدم مغایرت آن‌ها با قوانین تأکید کرده باشد، محفوظ است. این پیش‌بینی قانونی ناظر بر تضمین اصل حاکمیت قانون و حق دادخواهی شهروندان در برابر مقررات خلاف قانون است. با این حال، قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (الحاقی ۱۳۸۸ و اصلاحات بعدی)، به‌ویژه در اصلاحیه اخیر، مقرر داشته است که نظر هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین در اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین، از اولویت و برتری نسبت به سایر مراجع برخوردار است و رئیس مجلس نقش اعلامی و اجرایی آن را بر عهده دارد. این برتری، واجد آثار مستقیم بر حیطه نظارت دیوان عدالت اداری است، زیرا در مواردی، نظر هیأت تطبیق مبنی بر تأیید مصوبه، با درخواست ابطال همان مصوبه در دیوان عدالت اداری مواجه شده است. بدین ترتیب، رویه‌های عملی نشان داده‌اند که تعارض میان آرای دیوان عدالت اداری و اعلام نظر رئیس مجلس (بر مبنای تصمیم هیأت تطبیق)، یک چالش حقوقی مستمر با ابعاد نظری و عملی ایجاد کرده است. پرسش اصلی آن است که آیا اولویت‌بخشی به نظر هیأت تطبیق، می‌تواند حق تظلم شهروندان را محدود سازد یا خیر. پاسخ به این پرسش، نیازمند تحلیل تقدم و تأخر سلسله‌مراتب هنجارها، تفسیر اصول ۸۵، ۱۳۸ و ۱۷۰ قانون اساسی و نیز ارزیابی نسبت میان صلاحیت نظارتی قوه مقننه و حیطه قضایی دیوان عدالت اداری است. (ویژه، ۱۳۹۶: ص ۲۵۵).

۵-۵. ضعف ضمانت اجرای مؤثر و الزام‌آور برای اجرای اصلاحات

در مواردی، دولت یا دستگاه‌های اجرایی اصلاحات یا ابطال مورد نظر رئیس مجلس را با تأخیر یا به صورت شکلی انجام می‌دهند، یا حتی خودداری می‌کنند — به سبب نقص ضمانت اجرا (گرچه از ندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۹). گرچه طبق قانون، رأی رئیس مجلس در تعلیق اثر مصوبه الزام‌آور است ولی در عمل، هرچند که در نظام اداری و حکمرانی این مصوبات ملغی اثر شده نمی‌تواند

مورد استناد یا استدلال قرار بگیرد و می تواند موضوع ورود نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی یا دیوان محاسبات شود یا حتی به صورت ناقص اصلاح می شود (حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۳).

۶-۵. ضعف در شفافیت و پاسخگویی فرایند نظارت

فرآیند اعلام نظر هیأت تطبیق، نحوه اخذ دفاعیات دولت و اطلاع‌رسانی نتایج به صورت عمومی، شفافیت کافی ندارد و همین امر نقدپذیری، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد عمومی به نتیجه نظارت را تضعیف می‌کند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۱۴۴). وجود این چالش‌ها نه تنها اهمیت نهادینه‌سازی فرآیند نظارت و اصلاح مستمر آن را نشان می‌دهد، بلکه اثبات می‌کند تنها راه تضمین حاکمیت قانون و نظم ساختاری، پیش‌بینی متون شفاف‌تر، ضمانت‌های اجرایی قوی‌تر و نیز شفافیت بیشتر در اعلام آراء و دفاعیات است. وضعیت فعلی، بیش از هر چیزی نیازمند تعامل ساختارمند قوای سه‌گانه، حرکت دولت به سوی شفافیت، و بهره‌گیری همزمان از روش‌های پیشینی و پسینی نظارت (مطابق کشورهای با نظام پارلمانی-کنترل اداری) است (Frick, 2010; طباطبائی مؤتمنی، ۱۴۰۲: ۳۰۵).

در سال‌های اخیر این روند رو به کاهش بوده است. به عنوان نمونه، مجموعه نظریات رئیس مجلس شورای اسلامی در اعمال اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی از سال ۱۳۶۸ تاکنون به صورت محدود چاپ رسیده در حال گردآوری و آماده‌سازی برای انتشار عمومی می‌باشد. همچنین، رویکرد تعاملی دفتر هیأت تطبیق مصوبات با جامعه دانشگاهی - از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی تخصصی - رو به توسعه نهاده و در حال گسترش است تا ضمن آشنایی بیشتر مجامع دانشگاهی خصوصاً دانشجویان رشته حقوق عمومی و حقوق قانونگذاری با سازو کارهای عملی این نظارت، پیشنهادهای برای اثرگذاری بیشتر این نهاد تخصصی در حوزه حکمرانی شایسته ارائه شود.

۶. نظارت رئیس مجلس بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در راستای تحقق توسعه پایدار

۶-۱. جایگاه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در سیاست‌های توسعه پایدار

مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی در ایران، بر اساس قوانین خاصی همچون قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی) و قانون ایجاد مناطق ویژه اقتصادی (مصوب ۱۳۸۴)، با هدف تقویت صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری و ایجاد اشتغال پایدار تأسیس شده‌اند. این مناطق، به واسطه موقعیت جغرافیایی استراتژیک و مأموریت‌های توسعه‌ای گسترده، به یکی از ارکان کلیدی تحقق توسعه پایدار در کشور بدل شده‌اند (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۷۲).

از منظر حقوقی، جایگاه این مناطق در چارچوب سیاست‌های توسعه پایدار متکی بر دو محور اساسی است:

۱. اختیارات مقررگذاشته و اجرایی ویژه که به موجب قوانین موضوعه برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی به آنها اعطا شده است.
 ۲. الزام به انطباق مقررات و مصوبات با قوانین ملی و اصول بالادستی، به‌ویژه سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور که از سوی قانون‌گذار تصویب می‌شوند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۵).
- مصوبات مجلس در این حوزه، نه تنها تعیین‌کننده حدود اختیارات و الزامات داخلی مناطق آزاد هستند، بلکه به‌عنوان «هنجار برتر» (supreme norm) در نظام حقوقی ایران عمل می‌کنند و چارچوب قانونی لازم برای تضمین هم‌راستایی فعالیت‌های این مناطق با اهداف کلان توسعه پایدار را فراهم می‌آورند (گرچی از ندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، همچنین ابزار نظارت تقنینی رئیس مجلس شورای اسلامی را برای جلوگیری از هرگونه مغایرت مصوبات اجرایی با قوانین مصوب پیش‌بینی کرده و این موضوع، به‌شدت در حوزه مناطق آزاد اهمیت پیدا می‌کند؛ چرا که مقررات این مناطق، به‌واسطه شرایط خاص تجاری و اقتصادی، در معرض خطر انحراف از موازین توسعه پایدار قرار دارند (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۶۷).
- از منظر سیاست‌های توسعه پایدار، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی باید نه تنها در پی رشد تولید ناخالص داخلی و افزایش سرمایه‌گذاری باشند، بلکه در سه بعد کلیدی توسعه پایدار نیز عملکرد مثبت داشته باشند:
- پایداری اقتصادی: ایجاد زیرساخت‌های باکیفیت، ارتقاء بهره‌وری و تقویت بخش خصوصی.

پایداری اجتماعی: بهبود وضعیت اشتغال بومی، ارتقاء سطح رفاه و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای. پایداری زیست‌محیطی: حفاظت از اکوسیستم محلی و رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در پروژه‌های صنعتی و تجاری (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

با این وجود، تجربه عملی در کشور نشان می‌دهد که چالش‌های متعددی در مسیر تحقق این اهداف وجود دارد، از جمله:

۱. تعارض میان اولویت‌های کوتاه‌مدت اقتصادی و الزامات بلندمدت توسعه پایدار.
۲. ابهام در مرز صلاحیت مقررات‌گذاری مناطق آزاد و مراجع ملی که گاه موجب وضع مقررات مغایر با سیاست‌های کلان کشور می‌شود (حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۴).

۳. ضعف در پایش مستمر آثار زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه‌ها به دلیل نبود سازوکارهای نظارتی کارآمد و مستقل. مصوبات مجلس، با ایجاد چارچوب‌های شفاف‌تر و الزام به انطباق مقررات مناطق آزاد با سیاست‌های توسعه پایدار، می‌توانند نقش تعدیل‌کننده و هدایت‌کننده‌ای ایفا کنند. این موضوع در پرتو نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی اهمیت مضاعفی می‌یابد، زیرا این نظارت، همان‌طور که قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی مقرر کرده، امکان «سلب اثر» از مصوبات مغایر و الزام دولت به اصلاح یا لغو آنها را فراهم می‌کند. چنین سازوکاری، تضمینی عملی برای تداوم انطباق اقدامات مناطق آزاد با اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود (ویژه، ۱۳۹۶: ۸۹).

جایگاه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در سیاست‌های توسعه پایدار مصوبات مجلس، یک جایگاه راهبردی و حساس است که در آن، تعامل میان انعطاف‌پذیری اجرایی و پایداری به حاکمیت قانون باید با دقت مدیریت شود. به‌موجب نقش تقنینی مجلس و نظارت رئیس آن طبق اصول ۸۵ و ۱۳۸، این مناطق می‌توانند به موتورهای محرک توسعه پایدار بدل گردند، مشروط بر آنکه مقررات آنها به‌صورت مستمر با قوانین ملی و سیاست‌های کلان کشور تطبیق داده شود. استفاده از ابزارهای مدرن پایش، تقویت ضمانت‌اجراهای قانونی، و ارتقاء شفافیت مقررات‌گذاری در این مناطق، گام‌های ضروری برای تحقق این هدف است.

۶-۲. حدود و شمول نظارت رئیس مجلس بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد

حدود و شمول نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را باید در بستر اصول بنیادین حقوق عمومی و مقررات خاص این حوزه تحلیل کرد. طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، دولت مکلف است کلیه تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مصوب خود را برای بررسی عدم مغایرت با قوانین، هم‌زمان با ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس برساند. اصل ۱۳۸ قانون اساسی نیز این الزام را تکمیل کرده و تصریح می‌کند که کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر نیز مشمول این قاعده هستند و در صورت تشخیص مغایرت، رئیس مجلس می‌تواند ابطال مصوبه را اعلام و مانع اجرای آن شود (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

از نگاه سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی، مصوبات مناطق آزاد - اعم از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمان‌های مسئول - در زمره مقررات اجرایی محسوب می‌شوند و بالتبع تحت شمول این دو اصل قرار دارند. این امر به مفاد قانون نحوه اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات آن نیز تسری دارد، چرا که این قانون صراحتاً محدوده اختیارات سازمان‌های مناطق آزاد را «در چارچوب قوانین و مقررات عمومی کشور» تعریف می‌کند (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۲). به عبارت دیگر، حتی در صورتی که مناطق آزاد دارای سازوکارهای داخلی مقررگذار باشند، این صلاحیت به‌طور مطلق و مستقل از قوانین ملی نیست و نظارت رئیس مجلس بر تمام مصوبات آنها امری بدیهی و الزام‌آور است.

شمول نظارت رئیس مجلس در حوزه مناطق آزاد، از حیث موضوعی و ماهوی، تمامی مصوبات ناظر بر این مناطق که جنبه اجرایی، ناظر بر حقوق و تکالیف اشخاص و دارای آثار بر تجارت داخلی و خارجی باشند را دربر می‌گیرد. این گستره شامل موارد زیر است: آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با سرمایه‌گذاری، اشتغال، گمرک، بیمه، مالیات و امور زیربنایی.

تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران یا کمیسیون‌های وزارتی که به‌طور مستقیم ناظر بر مناطق آزاد باشند (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۷۱). مقررات سازمان‌های مناطق آزاد که بر اساس تفویض قانونی وضع می‌شوند.

بر این اساس، هرگونه مصوبه‌ای که بخواهد بر روابط اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی مناطق آزاد تأثیر بگذارد، باید از فیلتر کنترل انطباق با قوانین ملی توسط رئیس مجلس عبور کند. این موضوع اهمیت ویژه‌ای در بُعد توسعه پایدار دارد، زیرا بخشی از مقررات می‌تواند به شکل غیرمستقیم موانع محیط‌زیستی ایجاد یا تعادل اجتماعی را بر هم بزند. هرچند نظارت رئیس مجلس اختیار گسترده‌ای برای تشخیص مغایرت فراهم می‌آورد، اما این صلاحیت نیز دارای قیود مشخص است:

ملاک انطباق با قوانین مصوب: رئیس مجلس صرفاً از حیث مغایرت یا عدم مغایرت با قوانین مجلس و شرع می‌تواند اعلام نظر کند و صلاحیت ورود به ارزیابی سیاستی یا اقتصادی مصوبات را ندارد (ویژه، ۱۳۹۶: ۹۳). عدم مداخله در صلاحیت‌های تفویضی خاص مگر آنکه خروج از حدود تفویض احراز گردد. لزوم استناد به نص یا روح قانون؛ تشخیص مغایرت باید مستند به مبانی قانونی و نه صرفاً برداشت شخصی باشد (گرگی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

این محدودیت‌ها باعث می‌شود که صلاحیت نظارتی رئیس مجلس، هرچند مؤثر، اما در چارچوب اصول تفکیک قوا و صلاحیت ذاتی قوه مجریه اعمال شود.

حدود و شمول نظارت رئیس مجلس بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد، به‌موجب اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی و قوانین موضوعه، نه‌تنها جنبه صوری انطباق را دنبال می‌کند بلکه یکی از ابزارهای بنیادین برای صیانت از حاکمیت قانون و تضمین تحقق توسعه پایدار در این مناطق محسوب می‌شود. گستره این صلاحیت، تمامی مصوبات دارای اثر بیرونی را در بر می‌گیرد و با وجود قیود قانونی در نحوه اعمال، اختیار مؤثری برای جلوگیری از انحراف مقررات مناطق آزاد از سیاست‌های کلان به دست می‌دهد. با این حال، برای ارتقاء کارایی این نظارت، بازنگری در فرآیند ارسال به‌موقع مصوبات، شفافیت بیشتر مراجع وضع مقررات، و به‌کارگیری فناوری‌های هوشمند پایش، از الزامات سیاست‌گذاری آینده است.

۳-۶. چالش‌های اجرایی و حقوقی نظارت بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

اعمال نظارت بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، به‌ویژه در پرتو اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، یکی از حساس‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نظام‌های کنترلی در نظام حقوقی ایران است. این نظارت، با هدف تضمین مطابقت مقررات اجرایی با قوانین مصوب، در بطن نظام سیاسی و اقتصادی کشور جای گرفته است (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۶۷). با وجود مبانی قانونی متقن، واقعیت عملی نشان می‌دهد که فرآیند نظارت با موانع جدی روبه‌روست که نه‌تنها اثربخشی این ابزار را محدود می‌کند، بلکه در برخی موارد باعث بروز تعارض و موازی‌کاری نهادی نیز می‌شود.

چالش‌های اجرایی

حجم و سرعت تصویب مقررات در مناطق آزاد

ماهیت پویای فعالیت اقتصادی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، مستلزم تصویب سریع آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و تصویب‌نامه‌های اجرایی است. این ویژگی هرچند برای تسریع فعالیت‌های تجاری مفید است، اما عملاً زمان و ظرفیت هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت را برای مطالعه دقیق و همه‌جانبه محدود می‌کند (گرگی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). در نتیجه، امکان شناسایی به‌موقع مغایرت‌های جزئی یا آشکار با قوانین ملی کاهش می‌یابد.

فقدان سامانه یکپارچه برای رصد و پایش مصوبات

هرچند «سامانه پایش» با هدف ثبت و اطلاع‌رسانی مصوبات دولت راه‌اندازی شده، اما تا زمان تکمیل و عملیاتی‌شدن کامل، همچنان نبود یک بستر هوشمند و یکپارچه برای دریافت و تحلیل سریع مصوبات، روند نظارت را کند و غیرتعاملی کرده است (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۸).

تأخیر در ارسال مصوبات به مرجع نظارتی

طبق قانون، باید مصوبات بلافاصله پس از تصویب برای رئیس مجلس ارسال شوند، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که در موارد متعدد، این فرآیند با تأخیر انجام می‌شود. این تأخیر می‌تواند منجر به اجرای مصوبات مغایر پیش از صدور نظر هیأت تطبیق شود و حتی در برخی موارد، حقوق مکتسبه غیرقانونی برای اشخاص ایجاد نماید (بالوی و سعید، ۱۳۹۵: ۴۲).

چالش‌های حقوقی

ابهام در مرز صلاحیت مقررہ‌گذاری

با وجود نص صریح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، تداخل و ابهام در تعیین مرز صلاحیت مقررہ‌گذاری میان ارکان اجرایی مناطق آزاد و مراجع ملی، باعث شده برخی مصوبات با استناد به «تصمیمات داخلی سازمان» از حوزه نظارت رئیس مجلس خارج اعلام شوند. این در حالی است که چنین مصوباتی ماهیتاً دارای آثار بیرونی و الزام‌آور هستند (کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۳).

فقدان ضمانت اجرای کافی

اگرچه قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی اختیار «سلب اثر» از مصوبات خلاف قانون را به رئیس مجلس اعطا کرده است، اما در عمل ضمانت اجرای مؤثری برای اجبار دولت به اصلاح یا لغو فوری مصوبات مغایر پیش‌بینی نشده است. این خلا حقوقی، عملاً دامنه بازدارندگی این ابزار را محدود می‌کند (ویژه، ۱۳۹۶: ۹۸).

موازی‌کاری نهادی و تعارض وظایف

تداخل صلاحیت میان رئیس مجلس، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و حتی نهادهای نظارتی درون دولت، به‌جای تقویت نظارت، منجر به موازی‌کاری، کاهش کارآمدی و ایجاد پرونده‌های متعارض شده است (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

تعارض میان اهداف توسعه اقتصادی و الزامات توسعه پایدار

یکی از چالش‌های بنیادین در نظارت بر مصوبات مناطق آزاد، تنش میان ضرورت تسهیل سرمایه‌گذاری و تجارت از یک سو، و الزامات زیست‌محیطی و اجتماعی ناشی از اصول توسعه پایدار از سوی دیگر است. در بسیاری از موارد، مصوبات برای افزایش جذابیت اقتصادی این مناطق، استانداردهای سخت‌گیرانه محیط‌زیستی یا قواعد کار و اشتغال بومی را نادیده می‌گیرند. نظارت رئیس مجلس در این حوزه باید به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن حمایت از فعالیت اقتصادی، اصول پایداری و عدالت بین‌نسلی را پاس بدارد (Rawls, 2005: 74؛ حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۶).

چالش‌های اجرایی و حقوقی موجود در مسیر نظارت بر مصوبات ناظر بر مناطق آزاد، نشان می‌دهد که این فرآیند با وجود پشتوانه قانونی قوی، در عمل نیازمند بازطراحی و تقویت ساختاری است. راهکارهایی چون ایجاد سامانه هوشمند و یکپارچه برای پیش‌لحظه‌ای، تعیین مرز صلاحیت‌ها به‌صورت شفاف، پیش‌بینی ضمانت اجرای فوری و تقویت همکاری میان نهادهای نظارتی می‌تواند این نظام را از حالت صوری به یک سازوکار مؤثر و کارآمد ارتقا دهد. در غیر این صورت، خطر انحراف مقررات مناطق آزاد از مسیر توسعه پایدار همچنان باقی خواهد ماند.

۱-۷. آسیب‌شناسی مقررات‌گذاری در نظام نظارت فعلی

مقررات‌گذاری اجرایی دولت در ایران، به‌رغم هدف اولیه مبنی بر تسهیل امور اجرایی و تطبیق مقررات با مقتضیات روز، طی دهه‌های اخیر با چالش‌های عمیق، ساختاری و رویه‌ای روبه‌رو شده که کارآمدی نظام نظارت رئیس مجلس را نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم متأثر ساخته است (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۸؛ Mohseni & Ghamami, 2013: 163).

نخست، بی‌ثباتی مقررات و تکرر مصوبات متعارض، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های نظام فعلی است. آمارها نشان می‌دهد که طی هر سال صدها تصویب‌نامه و آیین‌نامه اجرایی صادر می‌شود که بخش قابل توجهی از آنها بعد از اعلام نظر هیأت تطبیق، نیازمند اصلاح یا ابطال می‌شوند (گرگی ازندریانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۲؛ حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۵). این تکرر و بی‌ثباتی نه تنها موجب ابهام در حقوق و تکالیف اشخاص می‌گردد، بلکه سبب می‌شود شهروندان و فعالان اقتصادی در معرض مقررات متناقض و متغیر قرار گیرند؛ پدیده‌ای که اصطلاحاً آن را «فرسایش هنجاری» می‌نامند (Frick, 2010: 145).

دوم، تعارض مکرر مصوبات اجرایی با قوانین مصوب و حتی با یکدیگر، زمینه‌ساز افزایش شکایات در دیوان عدالت اداری می‌شود و رقم ابطال‌ها به شکل معناداری بالا رفته است. این امر، علاوه بر تولید هزینه حقوقی برای دولت، باعث بی‌اعتباری حقوقی و سلب اعتماد عمومی از دولت و مجلس نیز می‌گردد (امامی و استوارسنگری، ۱۴۰۲: ج ۲، ص ۴۲۳).

سوم، نقص شفافیت در فرایند تصویب و اعلام مصوبات است. فقدان یک سامانه جامع اطلاع‌رسانی، عدم تدوین یک قاعده شفاف درباره فرآیند بررسی تطبیقی، و رویه غیرهماهنگ بین بخش‌های مختلف دولت و روابط ضعیف با هیأت تطبیق مجلس موجب شده تا همچنان بسیاری از مصوبات - به‌ویژه در لباس یادداشت اداری یا تصمیم‌نامه غیررسمی - از دایره کنترل مستقل خارج بماند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۱۴۴).

چهارم، ایجاد حقوق مکتسبه‌ی متزلزل برای شهروندان و فعالان اقتصادی، چالش مهمی است که مستقیماً نتیجه تاخیر در اعلام نظر و یا ابطال متأخر مصوبات مغایر می‌باشد (Dadvand & Owlia, 2022: 89). افراد بنا به ظاهر قانونی مصوبه عمل می‌کنند، اما پس از ماه‌ها اجرایی‌شدن، رأی ابطال‌دهنده صادر یا اعلام می‌گردد و وضعیت حقوقی پیشین را دچار سردرگمی می‌کند. پنجم، تداخل صلاحیت‌ها بین مجلس، دولت، دیوان عدالت اداری و سایر نهادها که بعضاً منشأ تفسیرهای متعارض یا حتی احکام متضاد می‌شود (Vizheh, 1396: 244). تجربه تطبیقی فرانسه (Conseil d'État) و حتی آلمان نشان داده است که تفکیک دقیق و شفاف ساختار نظارتی، خود یکی از پیش‌نیازهای سلامت نظام مقررگذاری است (Finer, 1997: 183). در نهایت، ضعف ضمانت اجرا در اصلاح یا لغو مصوبات مغایر، موجب استمرار برخی مقررات ناسازگار با قوانین مادر شده و زمینه بی‌اعتباری ساختاری احکام نظارتی رئیس مجلس را فراهم می‌آورد (حبیب‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۴؛ کدخدایی و رحمانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۱). این آسیب‌ها صرفاً ضعف کارکرد یک بخش (مجلس یا دولت) نیست؛ بلکه نشانه نیاز جدی به بازمهندسی نظارت اداری، تقویت ابزارهای هوشمند تطبیق، انضباط در اعلام و شفافیت در فرآیند تصویب و همچنین ارتقای ضمانت اجرا در ساختار نظام حقوقی کشور است (Habibnejad et al., 2022: 153).

۲-۷. تحلیل تطبیقی نظام‌های موفق نظارت بر مصوبات اجرایی: فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا

یکی از ابزارهای مؤثر در ارتقای کارآمدی و سلامت نظام مقررگذاری دولتی، بهره‌گیری از آموزه‌ها و تجارب تطبیقی سایر کشورهاست؛ کشورهایی که با الگو قرار دادن اصول شفافیت، تخصص‌گرایی و استقلال در فرایند نظارت، توانسته‌اند تعامل نهاد تقنین و اجرا را به‌گونه‌ای هوشمند تنظیم نمایند (Frick, 2010: 183).

در فرانسه، Conseil d'État (شورای دولت) که ریشه‌ای دیرین دارد، نقش دوگانه‌ای در مشاوره پیش از صدور مقررات اجرایی و همچنین قضاوت در دعوی ابطال مصوبات دولت ایفا می‌کند. این شورا بهره‌مند از تیم حقوقدانان بلندپایه و کارشناسان ارشد است و فرایند تطبیق مقررات و نظارت پیشینی و پسینی به‌صورت نظام‌مند در آن نهادینه شده است (Frick, 2010: 188). مهم‌ترین ویژگی مدل فرانسوی، اتصال وثیق نهاد مشاوره و قضاوت و الزام دولت به اخذ نظر کارشناسی شورای دولت پیش از تصویب مقررات مهم اجرایی است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مصوبات مهم پس از تأیید اولیه و بررسی دقیق حقوقی، اساساً کمتر نیازمند نظارت پسینی یا ابطال می‌گردد (Habibnejad et al., 2022: 185). ضمن آنکه ضمانت اجرای سختگیرانه و همچنین شفافیت کامل سامانه اطلاع‌رسانی مصوبات، از دور زدن و پنهان‌کاری جلوگیری می‌کند.

در آلمان، نظام نظارت بر مقررات اداری عمدتاً بر اصل تفکیک سلسله‌مراتب حقوقی و بازخوردگیری مستمر از مراجع شبه‌قضایی و پارلمانی استوار است. مهم‌ترین نهاد، دادگاه‌های اداری هستند که نه‌تنها به شکایات شهروندان درخصوص مصوبات دولتی رسیدگی می‌کنند، بلکه وظیفه قضاوت و ابطال مقررات مغایر با قانون اساسی و قوانین عادی را برعهده دارند (Frick, 2010: 193). در کنار آن، پارلمان آلمان از طریق کمیسیون‌های تخصصی، فرایند قانونگذاری و مقررگذاری اجرایی را پیش و هنگام ضرورت تذکر یا حتی ابطال صادر می‌کند (Emami & Ostovarsangari, 2023: 419).

مدل ایتالیا نیز از طراحی منسجم شورای دولتی (Consiglio di Stato) بهره می‌برد که مشابه فرانسه، نقش مشورتی و داوری در دعوی ابطال مقررات را به لحاظ چابکی و تخصص، تلفیق کرده است (Frick, 2010: 197). وجود یک تقویم مقررات‌گذاری شفاف و ثبت متمرکز مصوبات اجرایی، سبب افزایش اعتماد عمومی و سلامت نظم هنجاری شده است.

در بریتانیا (انگلستان)، با وجود عدم وجود نهاد دقیقی هم عرض هیأت تطبیق مصوبات، سنت پارلمانی عمیق و پیوند مستحکم قوه مقننه و کمیته‌های تخصصی با دولت، مانع از انحراف مقررات اجرایی شده است. فرایند کنترل و نقد مقررات در قالب گزارش‌های عمومی، شواهد پارلمانی قوی و نظام قضاوت مستقل، موجب شده حتی بدون نظارت پسینی سخت، خودنظارتی فعالی بر دولت جریان داشته باشد (Finer, 1997: 430-433).

وجه اشتراک کلیدی این الگوها را می‌توان در محورهای زیر دانست:

۱. شایسته‌سالاری و استقلال کمیته/شورای تخصصی ناظر؛
۲. الزام دولت به شفافیت و ارائه کامل مستندات مقررات به کمیته ناظر پیش از اجرا؛
۳. ابزارهای سختگیرانه ابطال فوری و اثرگذار مقررات مغایر؛
۴. پیگیری حقوق مکتسب و جبران خسارت‌ها در صورت ابطال پسینی مقررات؛
۵. ثبت و انتشار عمومی تمام مصوبات اجرایی برای تقویت پاسخگویی و اطمینان فعالان حقوقی و اقتصادی (Habibnejad et al., 2022: 187-189; Vizheh, 2017: 201).

در مقایسه با ایران، ضعف در تجمیع اطلاعات، اختیارات محدود هیأت تطبیق و نبود ضمانت اجرای حتمی سبب شده تا بخشی از مصوبات دولت با حداقل کنترل، قابلیت اجرا بیابند و شهروندان در معرض مصوبات متعارض یا حتی مغایر قرار گیرند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۱).

نتیجه آنکه، بهره‌گیری فنی، ساختاری و فناوری محور از تجارب کشورهای هم‌چون فرانسه و آلمان - با تأکید بر سامانه‌های هوشمند تطبیق مقررات، الزام شفافیت و استقلال نهاد ناظر - می‌تواند به عنوان الگویی عملیاتی برای اصلاح و ارتقای نهاد نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت ایران مدنظر قرار گیرد.

۳-۷. پیشنهاد های تقنینی و اجرایی برای ارتقاء و اصلاح نظام نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت

در پرتو آسیب‌شناسی ساختاری نظام موجود و عبرت‌های حاصل از تجربیات کشورهای پیشرو، مجموعه‌ای از راهکارهای عملی و سیاستی برای افزایش اثربخشی و شفافیت نهاد نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیأت دولت قابل طرح است:

۱. شفاف و هوشمندسازی فرایند ابلاغ و تطبیق مصوبات
پیشنهاد می‌شود یک سامانه ملی هوشمند، با قابلیت ثبت، رهگیری و تحلیل تطبیقی کلیه مصوبات دولت، تاسیس شود تا ارسال هر مصوبه به طور اتوماتیک و بدون استثنا در همان روز ابلاغ در آن ثبت و به هیأت تطبیق و رئیس مجلس اعلام گردد. این سامانه باید ابزاری برای اطلاع شهروندان، فعالان اقتصادی و جامعه حقوقی پیرامون آخرین وضعیت مصوبات نیز باشد (Habibnejad et al., 2022: 194; Vizheh, 2017: 219).

۲. الزامات قانونی دقیق‌تر برای تعیین بار مالی مصوبات
ضروری است در اصلاح قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸، بند مستقل و شفاف درباره بررسی پیشاتصویبی تأمین محل اعتبار مالی کلیه مصوبات دولت گنجانده شود و نبود مستندات مالی منجر به «ابطال خودکار» مصوبه گردد (پروین؛ پتفت، ۱۳۹۴، ۱۲۴).
۳. تدوین تقویم زمانی الزام‌آور و ضمانت اجرای قاطع برای رفع مغایرت
تعیین مهلت زمانی معین (مثلاً ۷ روز قابل تمدید تا حداکثر ۱۵ روز) برای اصلاح مصوبه مغایر و تصریح مبنای سقوط اعتبار مصوبه پس از پایان ضرب‌الاجل، با امکان پیگیری دستگاه نظارتی و قضایی در صورت عصیان دستگاه اجرایی بر نظر رئیس مجلس (Habibnejad & Ghasemi, 2024: 74; Gorgi Azandaryani & Rezaei, 2014: 128).

۴. تجمیع و ثبت عمومی کلیه مصوبات اجرایی
طبق استانداردهای فرانسه و آلمان، ایجاد پایگاه داده برخط و رایگان برای کلیه مصوبات فعلی و سابق دولت و قابلیت جست‌وجوی آزاد برای جامعه علمی و عمومی لازم است. ثبت سوابق ابطال یا اصلاح و امکان بازبینی روند ابطال برای پژوهشگران و دستگاه‌های

^۱ سامانه «پایش»: سامانه پایش و اطلاع‌رسانی مصوبات هیأت دولت که با هدف ثبت، رهگیری و اعلام به موقع مصوبات به مراجع نظارتی و اطلاع‌رسانی عمومی راه‌اندازی شده و بنا بر اعلام رسمی، به زودی به‌طور کامل عملیاتی خواهد شد.

اجرائی و نظارتی، موجب شفافیت، سلامت و بازدارندگی می‌شود (Habibnejad et al., 2022: 199; Emami & Ostovarsangari, 2023: 429).

۵. توسعه سازوکارهای پیشگیرانه و بازآموزی حقوقی

برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری برای مدیران حقوقی و اجرائی دولت درباره اصول قانون‌نویسی و الزامات نظارت رئیس مجلس، تداوم جلسات توجیهی مشترک دولت و مجلس و انتشار دستورالعمل‌های راهبردی، ضریب دقت و انطباق مصوبات را افزایش می‌دهد (Habibnejad et al., 2022; Imami & Ostovarsangari, 2023).

۶. پیش‌بینی همکاری‌های ساختارمند و دائمی با دیوان عدالت اداری و نهادهای مانند دیوان محاسبات یا کمیسیون اصل نودم قانون اساسی یا سازمان بازرسی.

به‌طور خلاصه، اصلاح ساختاری، استفاده هوشمندانه از فناوری، ارتقاء شایسته‌سالاری، شفاف‌سازی کامل فرایندها و تقویت ضمانت اجراها می‌تواند نظام نظارت رئیس مجلس را از حالت صوری به یک نهاد کارآمد و پویا تبدیل کند؛ تجربه موفق کشورهای پیشرفته نیز مؤید این راهبردهاست (Habibnejad et al., 2022: 200; Frick, 2010: 201).

۷-۴. راهکارهای تقویت نقش نظارتی رئیس مجلس برای هم‌راستاسازی مصوبات مناطق آزاد با توسعه

پایدار

۱- ایجاد نظام پایش مستمر و پیشینی بر مقررات مناطق آزاد با استفاده از سامانه‌های هوشمند (مانند سامانه پایش مصوبات هیأت دولت).

۲- الگوبرداری از تجارب موفق بین‌المللی در نظارت بر مقررات مناطق اقتصادی ویژه در کشورهای پیشرو (مثال: کره جنوبی، مالزی و امارات).

۳- پیشنهاد اصلاحات قانونی و نهادی برای افزایش ضمانت اجرا در صورت مغایرت مصوبات مناطق آزاد با اهداف توسعه پایدار.

نتیجه‌گیری

نظام نظارتی رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات هیأت دولت، به‌ویژه در پرتو اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، نه تنها یک ابزار بنیادین صیانت از حاکمیت قانون و تضمین سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی است، بلکه در بستر مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، نقشی دوچندان در پاسداری از آرمان‌های توسعه پایدار ایفا می‌کند. این مناطق، که مأموریت اصلی آن‌ها تسهیل تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و ارتقای صادرات است، به سبب اختیارات گسترده اجرائی و مقررگذاری خود، همواره در معرض خطر تصویب مصوباتی قرار دارند که در ظاهر با اهداف توسعه اقتصادی همخوان اما در باطن یا در نتیجه، مغایر با قوانین ملی، الزامات زیست‌محیطی یا ملاحظات عدالت اجتماعی‌اند.

بررسی انتقادی ساختار فعلی نظارت نشان می‌دهد که اگرچه پشتوانه‌های نظری و نصوص قانونی روشن است، چالش‌هایی چون ابهام در مرزبندی صلاحیت‌ها، صدور مکرر مقررات متعارض، ضعف ضمانت اجرا، فقدان شفافیت سازمان‌یافته و تأخیر در ارسال مصوبات، مانع از کارکرد کامل این نظام در حوزه مناطق آزاد شده است. این وضعیت، در تضاد با الزامات توسعه پایدار است که نیازمند ثبات حقوقی، شفافیت مقررات، و هماهنگی میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

تجارب عملی و تطبیقی نشان می‌دهد که برای ارتقای اثربخشی این نظارت، بازطراحی فرایندها و ابزارها ضرورت دارد: ایجاد سامانه هوشمند و یکپارچه برای ثبت و تحلیل لحظه‌ای مصوبات، تعیین دقیق مرز اختیارات نهادهای مقررگذار مناطق آزاد، پیش‌بینی ضمانت اجرای فوری و الزام‌آور، و نهادینه‌سازی شفافیت در تمامی مراحل تصویب، ابلاغ و اصلاح مقررات. بدین ترتیب، رئیس مجلس و هیأت تطبیق می‌توانند علاوه بر جلوگیری از تصویب مقررات مغایر، نقش فعال‌تری در هدایت مصوبات مناطق آزاد به سمت هم‌راستایی کامل با اهداف توسعه پایدار ایفا کنند.

در نهایت، تحقق حاکمیت قانون در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، مستلزم ترکیب هوشمندانه استقلال اجرائی این مناطق با نظارت ساختاریافته و بازدارنده است؛ نظارتی که نه تنها مانع خودسری و بی‌ثباتی مقررات شود، بلکه مسیر را برای تحقق توازن

میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت محیط‌زیست هموار سازد. بدون چنین رویکردی، خطر افراط در تسهیل اقتصادی به بهای نادیده‌گرفتن الزامات پایدار، همچنان تهدیدی جدی برای اعتبار حقوقی و کارآمدی حکمرانی در این مناطق باقی خواهد ماند.

منابع

۱. امامی، محمد؛ استوار سنگری، کورش، ۱۴۰۲، حقوق اداری، جلد دوم، چاپ هفتم، نشر میزان، تهران.
۲. پروین، منیره؛ پتفت، محمد، ۱۳۹۴، نظام حقوقی نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت، انتشارات میزان، تهران.
۳. حبیب‌نژاد، سید احمد؛ و همکاران، ۱۴۰۱، نظارت پارلمانی، چاپ اول، انتشارات کتابخانه موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
۴. حسینی‌نژاد، حسین، ۱۳۹۸، چستی حاکمیت قانون در نظام حقوقی اساسی ایران، چاپ اول، مؤسسه دنیای حقوق، تهران.
۵. کدخدایی، عباس؛ رحمانی‌نژاد، امیر، ۱۳۹۶، شرح جامع نظارت تطبیقی مجلس، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران.
۶. گرجی‌ازندریانی، سید یوسف؛ رضایی، محمدرضا، ۱۳۹۳، تحلیل تطبیقی کارکرد نظارتی مصوبات هیأت دولت، چاپ اول، انتشارات پژوهش حقوق عمومی، تهران.
۷. گرجی‌ازندریانی، سیدیحیی؛ رضایی، محمدرضا، ۱۳۹۳، نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات دولت، انتشارات مجلس، تهران.
۸. ویژه، محمدرضا، ۱۳۹۶، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، چاپ دوم، تهران: جنگل، جاودانه.
۹. مقالات:
۱۰. بالوی، محسن؛ سعید، سعید، ۱۳۹۵، «نقد فقدان شفافیت در ارسال مصوبات دولت به مجلس»، مجله دیدگاه‌های نوین حقوق عمومی، شماره ۴.
۱۱. پروین، خیراله؛ پتفت، آری، ۱۳۹۴، «حدود نظارت تقنینی بر مصوبات هیئت وزیران با تأکید بر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۱.
۱۲. دادوند، مهسا؛ اولیا، بهرام، ۱۴۰۱، «نقد آثار حقوقی ابطال مصوبات مغایر در رویه هیأت تطبیق»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، دوره ۸، شماره ۲.
۱۳. درویشی، امیرحسین؛ کاظم‌زاده نظری، مجتبی، ۱۳۹۷، «بررسی تأثیر زمان‌بندی اعمال نظارت رئیس مجلس بر حقوق مکتسبه اشخاص»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره ۵، شماره ۱.
۱۴. راجی، حسن؛ برومند، سروش، ۱۳۹۲، «تحلیل نظرات تفسیری شورای نگهبان درباره آیین‌نامه‌های دولت»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۲.
۱۵. طباطبائی مؤتمنی، محمدحسین، ۱۴۰۲، «تحلیل تطبیقی شفافیت فرآیند بررسی مصوبات دولت»، فصلنامه دیدگاه‌های نوین حقوق اداری، شماره ۷.
۱۶. فتاحی زفرقندی، علی؛ قنواتی، مسعود؛ عزیزی، صادق، ۱۴۰۱، «بررسی اثر الزام به تعیین محل تأمین اعتبار مالی در مصوبات دولت»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۴۰۴-۴۲۰.
۱۷. گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر؛ رضایی، مرتضی، ۱۳۹۳، «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران»، حقوقی دادگستری، شماره ۸۵.
۱۸. گرجی‌ازندریانی، سید یحیی؛ رضایی، محمدرضا، ۱۳۹۳، «تحلیل تطبیقی کارکرد نظارتی مصوبات هیأت دولت»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۱.
۱۹. هداوند، مهدی؛ مشهدی، محمد، ۱۳۹۵، «شیوه‌نامه تدوین مقررات مصوبات دولت: آسیب‌شناسی تشریفات قانونی»، فصلنامه حقوق اداری، دوره ۴، شماره ۲.

۲۰. ویژه، محمدرضا، ۱۳۹۶، «حدود و آثار نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت»، دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق و سیاست عمومی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۲۱. حبیب‌نژاد، سید احمد؛ قاسمی، حسین، ۱۴۰۳، «تحلیف مقامات سیاسی از منظر حقوق عمومی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۳.
22. Finer, Herman, 1997, *The Theory and Practice of Modern Government*, Methuen & Co., London.
23. Frick, Martin, 2010, *Principles of Good Administration and Administrative Law*, Springer, Berlin.
24. Rawls, John, 2005, *A Theory of Justice: Original Edition*, Harvard University Press, Cambridge.
25. Vizheh, Mohammadreza, 2017, *Oversight of Administrative Regulations in Iran*, Mizan Publications, Tehran.
26. Articles
27. Finer, Herman, 1997, *The Theory and Practice of Modern Government*, Methuen & Co., London.
28. Frick, Martin, 2010, *Principles of Good Administration and Administrative Law*, Springer, Berlin.
29. Rawls, John, 2005, *A Theory of Justice: Original Edition*, Harvard University Press, Cambridge.
30. Vizheh, Mohammadreza, 2017, *Oversight of Administrative Regulations in Iran*, Mizan Publications, Tehran.